

تحولات حقوقی

دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۴

The Role of Legal Moralism
in the Criminalization Process with
with an Emphasis on the Iranian Legal System

Authors: Peyman Namamian | Amir Hossein Shakib Rad

نقش اخلاق گرایی قانونی در فرآیند جرم‌انگاری
با تأکید بر نظام حقوقی ایران
نویسندگان: پیمان نامامیان | امیرحسین شکیب‌راد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

LEGAL DEVELOPMENT

1 Volume ,1Autumn, Issue 2025



The Role of Legal Moralism in the Criminalization Process with an Emphasis on the Iranian Legal System

Authors:

*^۱ Peyman Namamian: Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran p_namamian1512@yahoo.com

^۲ Amir Hossein Shakib Rad: PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

This research examines the role of legal moralism as a fundamental criterion in the criminalization process, with a focus on the Iranian legal system. The present study was made by using a descriptive approach and library-based research and shows that perspectives in this field are largely divided between proponent and opponent. The proponent of legal moralism, consider morality as the foundation of social cohesion and emphasize on the necessity for lawmakers to protect it in order to strengthen social solidarity. In contrast, opponents, highlighting the relativity of morality and its potential conflict with individual freedoms, view the imposition of moral principles through law as a threat to the effectiveness of the criminal system. In the Iranian legal system, given the principles of Sharia and the collective conscience, legal moralism occupies a prominent position; however, its application must be based on logical, legal, social, and ethical criteria. This ensures that while individual rights and freedoms are protected, the moral values and norms of society are maintained and social stability and cohesion are guaranteed. Such a balanced approach allows for the coexistence of adherence to collective morality and the safeguarding of individual rights.

Keywords: Criminalization, Principle of Harm, Legal Moralism, Collective Conscience.



نقش اخلاق گرایی قانونی در فرآیند جرم‌انگاری با تأکید بر نظام حقوقی ایران

نویسندگان:

^۱ پیمان نمایان: دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک،

p_namamian1012@yahoo.com

اراک، ایران

^۲ امیرحسین شکیب‌رادی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش اخلاق گرایی قانونی به عنوان یکی از معیارهای بنیادین در فرآیند جرم‌انگاری با تمرکز بر نظام حقوقی ایران می‌پردازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و نشان می‌دهد دیدگاه‌ها در این حوزه عمدتاً میان دو رویکرد موافق و مخالف تقسیم می‌شوند. موافقان اخلاق گرایی قانونی، اخلاق را پایه انسجام اجتماعی قلمداد کرده و بر ضرورت حمایت قانون‌گذار از آن برای تقویت همبستگی اجتماعی تأکید دارند. در مقابل، مخالفان با تأکید بر نسبی گرایی اخلاق و احتمال تعارض آن با آزادی‌های فردی، تحمیل مبانی اخلاقی از طریق قانون را تهدیدی برای کارآمدی نظام کیفری می‌دانند. در نظام حقوقی ایران، با توجه به مبانی شریعت و وجدان جمعی، اخلاق گرایی قانونی جایگاه برجسته‌ای دارد؛ با این حال، به کارگیری آن باید مبتنی بر معیارهای منطقی، حقوقی، اجتماعی و اخلاقی باشد تا ضمن حفاظت از حقوق و آزادی‌های فردی، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه نیز حفظ شده و ثبات و انسجام اجتماعی تضمین گردد. این رویکرد متعادل، امکان هم‌زیستی میان رعایت اخلاق جمعی و تضمین حقوق فردی را فراهم می‌کند.

کلید واژگان: جرم‌انگاری، اصل ضرر، اخلاق گرایی قانونی، وجدان جمعی.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز جوامع سیاسی مدرن، اداره آن‌ها بر اساس قوانین و مقرراتی است که به طور عمد و با هدف مشخص طراحی، تدوین و تصویب می‌شوند. قوانین اهداف متعددی دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حفظ نظام سیاسی، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد اشاره کرد. از آنجا که قانون وظیفه تنظیم روابط میان اعضای جامعه را بر عهده دارد، بررسی چگونگی شکل‌گیری آن نیز باید در بسترهای اجتماعی صورت گیرد. قانون، به عنوان محصول و پدیده‌ای اجتماعی، ناگزیر است با نیازها، شرایط اجتماعی و وجدان جمعی هماهنگ باشد. همچنین، هدف قوانین، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و تنظیم تعاملات میان شهروندان و حکومت است. بنابراین، قانونگذار نمی‌تواند صرفاً بر اساس دیدگاه شخصی خود قانون وضع کند، بلکه موظف است واقعیت‌ها و نیازهای جامعه را بشناسد و بر مبنای آن‌ها، معیارهای لازم و غیرلازم را تعیین کند تا قانون نمایانگر وجدان جمعی شهروندان باشد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۴۳).

در میان انواع قوانین، قانونگذاری کیفری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در این فرآیند، قانونگذار با تعریف رفتارهای ممنوع (جرم‌انگاری) و تعیین مجازات برای آن‌ها (کیفرگذاری)، مستقیماً با حقوق، آزادی‌ها و امنیت اجتماعی شهروندان در ارتباط است. همچنین، قوانین کیفری خود به معیاری برای سنجش ارزش‌ها و فضائل اخلاقی جامعه تبدیل می‌شوند. به همین دلیل، برخی جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان، قوانین کیفری را «آینه تمدن هر ملت» می‌دانند و معتقدند با بررسی دقیق آن‌ها می‌توان به سطح فرهنگ و تمدن جامعه پی برد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۴). بنابراین، مطالعه قوانین کیفری می‌تواند نمایانگر چارچوب ارزش‌های حاکم بر یک جامعه باشد.

یکی از شاخص‌های مهم فرهنگ و تمدن هر جامعه، وضعیت اخلاقی آن است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، قانونگذار باید هنگام تدوین قوانین، وضعیت اجتماعی جامعه را مدنظر قرار دهد و اخلاقیات حاکم یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در این زمینه است. بررسی رابطه حقوق و اخلاق در علوم مختلف مورد توجه قرار گرفته و در علم حقوق نیز از مسائل بنیادین محسوب می‌شود. در حقوق کیفری، این ارتباط اهمیت خاصی دارد؛ هرچند پرداختن به همه ابعاد آن فراتر از اهداف این نوشته است. در این مقاله تمرکز بر نقش اخلاق به عنوان معیاری برای جرم‌انگاری است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که جرم‌انگاری باعث محدود شدن آزادی‌های شهروندان و افزایش محظورات می‌شود. بر اساس اصل اتونومی انسان، جرم‌انگاری عملی برخلاف آزادی فردی است و هر اقدام در این راستا باید توجیه منطقی داشته باشد، زیرا افراد توانایی و اراده کافی برای انتخاب‌های معنادار دارند. (Ashworth, ۲۰۰۶: ۲۵) همچنین، با پذیرش اصل کرامت انسانی، قانونگذار بدون ارائه دلیل منطقی نمی‌تواند حقوق و آزادی‌های شهروندان را محدود یا سلب کند.

در مکتب لیبرالیسم، اصل ضرر به عنوان توجیه بنیادین جرم‌انگاری مطرح می‌شود. همان‌طور که جان استوارت میل بیان می‌کند، «در جامعه متمدن، اجبار و زور تنها زمانی نسبت به فرد اعمال می‌شود که هدف از آن پیشگیری از آسیب رساندن او به دیگران باشد» (استوارت میل، ۱۳۸۸: ۴۶). بی‌تردید، اصل ضرر یکی از مبانی مهم و اساسی جرم‌انگاری است، اما نمی‌توان آن را به‌تنهایی معیار تعیین جرم دانست. در واقع، مبانی و معیارهای دیگری نیز در این زمینه قابل طرح هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به مصالح اجتماعی، اخلاق‌گرایی و سایر ملاحظات اشاره کرد.

با این حال، به‌ویژه نسبت به اخلاق‌گرایی قانونی به عنوان مبانی جرم‌انگاری، تردیدهای جدی وجود دارد. پرسش اصلی این است که آیا قانونگذار می‌تواند اخلاق را به عنوان معیار جرم‌انگاری در نظر گرفته و رفتاری را صرفاً برای صیانت از ارزش‌های اخلاقی ممنوع اعلام کرده و مجازات تعیین کند؟ در پاسخ به این پرسش، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده که هر یک دلایل و استدلال‌های خاص خود را دارند. در این نوشتار، ضمن تبیین مفهوم اخلاق‌گرایی قانونی، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه پرداخته و نظریه‌ای از اخلاق‌گرایی متناسب با نظام حقوقی ایران ارائه خواهیم داد.

۱. مفهوم اخلاق‌گرایی قانونی

هدف از اخلاق‌گرایی قانونی آن است که آیا حکومت می‌تواند در حوزه اخلاق دخالت کند و افعال نادرست اخلاقی را ممنوع یا افعال درست را الزامی سازد (فرحبخش، ۱۳۸۹: ۵۴۹). اخلاق‌گرایان بر این باورند که میان قانون و اخلاق رابطه‌ای ضروری وجود دارد و این رابطه باید محور هرگونه تلاش برای تعریف مفهوم قانون باشد. با این حال، تفاسیر مختلفی از اصطلاحات کلیدی مانند «ضروری» و «اخلاق» وجود دارد و طرفداران این دیدگاه و منتقدان آن همواره نتوانسته‌اند این مفاهیم را به‌طور دقیق و جداگانه بررسی کنند (هارت، ۱۴۰۰: ۲۴۶).

از دیرباز، حقوق‌کیفری خود را حامی ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه دانسته و به همین دلیل، اخلاق جایگاه ویژه‌ای در آن دارد. در حقیقت، اخلاق قدیمی‌ترین مبانی جرم‌انگاری در حقوق کیفری بوده است (جنت مکان، ۱۴۰۳: ۷۴). البته دیدگاه اخلاق‌گرایان همواره یکسان نیست و می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: اخلاق‌گرایان محض (افراطی) و اخلاق‌گرایان غیرمحض (متعادل). گروه اول اخلاق عالی‌تر را معیار قرار می‌دهد و دفاع از اخلاق را حتی بدون توجه به پیامدها ضروری می‌داند؛ به عبارت دیگر، هر رفتاری که ذاتاً غیر اخلاقی باشد، مستحق جرم‌انگاری است، حتی اگر به کسی آسیبی نرساند (Feinberg, ۱۹۹۰: ۳۹؛ Schonscheck, ۱۹۹۴: ۶۶). در مقابل، اخلاق‌گرایان غیرمحض بر این باورند که حمایت از اخلاق باید به منظور حفاظت از اصل



وجود جامعه باشد و جرم‌انگاری باید به رفتارهایی محدود شود که مستقیم یا غیرمستقیم موجب شر و آسیب احتمالی شوند (Schonsheck, ۱۹۹۴: ۶۶).

اخلاق‌گرایان قانونی به عنوان یکی از مبانی جرم‌انگاری، در مقابل طرفداران اصل ضرر قرار دارند (جنت مکان، پیشین). آن‌ها معتقدند که «ضرر تنها در مقابل حق فرد مطرح می‌شود و اصل ضرر محدود به آسیب‌هایی است که به حقوق فرد وارد می‌شود؛ حال آنکه این حقوق ماهیت و اهمیت خود را از مصلحت انسان می‌گیرند» (فلاحی، ۱۴۰۲: ۳۲۵). با این حال، اخلاق‌گرایان غیرمحض می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیزی با پیروان اصل ضرر داشته باشند و بر این باورند که پیوند میان اصل ضرر و اخلاق‌گرایی قانونی اجتناب‌ناپذیر است.

در ادامه، برای تبیین بیشتر مفهوم اخلاق‌گرایی، جلوه‌ها و مصادیق آن با تأکید بر نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

اخلاق‌گرایی قانونی در عرصه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کیفری به اشکال و جلوه‌های متنوعی ظهور می‌یابد. این رویکرد با اتکا به اصول و ارزش‌های اخلاقی، نه تنها در پی برقراری نظم و عدالت در جامعه است، بلکه تلاش می‌کند هنجارها و ارزش‌های اخلاقی را نیز تقویت کند. به عبارت دیگر، اخلاق‌گرایی قانونی صرفاً محدود به تنظیم روابط مادی یا حل تعارضات میان افراد نیست، بلکه هدفی وسیع‌تر دارد که شامل حفاظت از فرهنگ، اخلاق عمومی و نهادهای بنیادین اجتماعی می‌شود. در ادامه، برخی از مهم‌ترین جلوه‌های اخلاق‌گرایی قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود چگونه این رویکرد در فرآیند قانون‌گذاری تجلی یافته و چه تاثیری بر ساختار حقوقی و اجتماعی جامعه دارد.

اخلاق‌گرایی قانونی، به ویژه در حوزه حمایت از ارزش‌های اخلاقی اجتماعی، مبتنی بر این اصل است که جامعه به عنوان یک کل، دارای مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی مشترک است که حفظ آن‌ها برای ثبات، همبستگی و هویت جمعی ضروری می‌باشد. در این رویکرد، قانون به عنوان ابزاری برای تقویت و حفاظت از این ارزش‌ها عمل می‌کند و از انحرافات اجتماعی که ممکن است منجر به فروپاشی اخلاقی یا کاهش انسجام اجتماعی شود، جلوگیری می‌کند.

بسیاری از جرم‌انگاری‌هایی که در نظام حقوقی ایران صورت گرفته نیز بر این اساس استوار است. برای مثال، بر اساس ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، روابط جنسی خارج از علقه زوجیت جرم‌انگاری شده است. این جرم‌انگاری بر مبنای مبانی شرعی انجام شده، زیرا چنین رفتاری با ارزش‌های اخلاقی جامعه در تعارض است. نمونه دیگری از جرم‌انگاری مبتنی بر اخلاق، منع همجنس‌گرایی است؛ رفتاری که با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی پذیرفته شده در جامعه ایران به طور جدی مغایرت دارد. نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده، مذهب و آموزش، ستون‌های

اصلی اخلاق و انسجام اجتماعی به شمار می‌روند. اخلاق‌گرایی قانونی در صدد است این نهادها را از آسیب‌ها و تهدیدهایی که می‌تواند بنیان آن‌ها را تضعیف کند، محافظت کرده و با این حمایت، ارزش‌های اخلاقی را در جامعه تقویت نماید.

در نظام حقوقی ایران، برخی جرم‌انگاری‌ها نیز با هدف حفظ و حمایت از نهادهای بنیادین اجتماعی صورت گرفته است. برای مثال، جرم‌انگاری زنا محصنه بر اساس ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و جرم‌انگاری عدم ثبت واقعه نکاح مطابق ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲، هر دو با هدف حمایت از نهاد خانواده تدوین شده‌اند. نمونه دیگر، جرم‌انگاری توهین به مقدسات است که هدف آن حفاظت از نهاد مذهب در جامعه است. یکی از جنبه‌های اخلاق‌گرایی قانونی، جلوگیری از گسترش رفتارهای غیراخلاقی است. این دیدگاه بر این اصل استوار است که قانون باید از عادی شدن رفتارهایی که ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند، جلوگیری کند. رفتارهای غیراخلاقی، حتی اگر در ابتدا محدود به عده‌ای خاص باشند، می‌توانند به مرور از طریق تقلید یا پذیرش اجتماعی، گسترش یافته و امنیت اخلاقی جامعه را به خطر بیندازند. در نظام حقوقی ایران نیز نمونه‌هایی دیده می‌شود که قانونگذار بر همین مبنا اقدام به جرم‌انگاری کرده است. به عنوان نمونه، تولید و انتشار محتوای مستهجن یا رعایت نکردن پوشش مقرر برای بانوان طبق «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز انجام می‌دهند» می‌تواند مصداق این رویکرد باشد.

۲. دلایل موافق و مخالف اخلاق‌گرایی قانونی

در زمینه امکان جرم‌انگاری مبتنی بر اخلاق‌گرایی قانونی، دلایل متعددی از سوی موافقان و مخالفان ارائه شده است. با توجه به محدودیت فضا، امکان پرداختن به همه این دلایل وجود ندارد؛ بنابراین در این بخش به طور مختصر به برخی از استدلال‌های موافقان و مخالفان پرداخته و آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. دلایل مخالفان اخلاق‌گرایی قانونی

در جوامع مدرن و چندفرهنگی که از نظر قوم‌شناختی و دینی متنوع هستند، معیارها و ضوابط اخلاقی متعددی وجود دارد. بر اساس اصول دموکراسی، هیچ گروه یا طبقه اجتماعی، صرف‌نظر از نفوذ یا اقتدارش، حق ندارد باورهای دینی یا معیارهای اخلاقی خود را به زور یا از طریق تهدید به ضمانت اجرای کیفری بر دیگران تحمیل کند. افراد در چنین جوامعی حق دارند به باورها و معیارهای اخلاقی خود پایبند باشند و به نوعی حق بر خطا بودن نیز برایشان محفوظ است (عبدالفتاح، ۱۳۸۱):



۱۵۳). اخلاقیات با گذر زمان دستخوش تغییرات اجتماعی سریع می‌شوند. آنچه در گذشته غیر اخلاقی و مجرمانه تلقی می‌شد، ممکن است در حال حاضر یا آینده غیر مجرمانه محسوب شود و نگرش‌ها نسبت به مسائلی مانند قتل ترحمی، سقط جنین یا کنترل زاد و ولد در سال‌های اخیر تغییر قابل توجهی یافته است (عبدالفتاح، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

مخالفان اخلاق‌گرایی قانونی بر این باورند که نظام حقوقی باید آزادی و استقلال فردی را به رسمیت بشناسد و قوانین نباید این اصول را محدود یا نقض کنند. از نظر آنان، هر فرد حق دارد سبک زندگی خود را بر اساس درک و باورهای خود انتخاب کند، مشروط بر آن که تنها حداقل محدودیت‌های ضروری برای حفظ نظم اجتماعی و تضمین آزادی دیگران را بپذیرد. (Richards: ۲۴۷). دولت نمی‌تواند مردم را به زور «اخلاقی» کند، بلکه باید شرایط آزادی و اختیار فرد را فراهم سازد. عمل اخلاقی باید بر اساس انتخاب آزاد و آگاهانه فرد باشد. برای آنکه فرد مسئولیت‌پذیر باشد، باید گزینه‌های برابر و شرایط بیرونی عادلانه برای او فراهم باشد تا بتواند انتخاب واقعی داشته باشد (محمودی، ۱۳۹۶: ۷۸۰).

گسترده‌گی ارزش‌های اخلاقی موجب می‌شود حمایت کیفری از تمامی آن‌ها امکان‌پذیر نباشد، زیرا منابع نظام عدالت کیفری محدود است. جرم‌انگاری همه ارزش‌ها می‌تواند منجر به انباشت قوانین و فراموش شدن برخی از آن‌ها شود و در نهایت ابهت و اعتبار قوانین کیفری را تضعیف کند. اخلاق به طور ذاتی نسبی است و تعریف دقیق و ثابت از آن دشوار است. حتی در جوامعی که اصول اخلاقی مشترکی دارند، تفسیرها و برداشت‌های متناقض می‌تواند وجود داشته باشد. این ابهام می‌تواند باعث سردرگمی در تدوین و اجرای قوانین شود، چرا که رفتاری ممکن است در یک جامعه غیر اخلاقی و مجرمانه و در جامعه‌ای دیگر پذیرفته شده و قانونی باشد.

یکی دیگر از مشکلات اخلاق‌گرایی قانونی، خطر محدود کردن آزادی فردی است. اگر قوانین تحت تأثیر شدید اصول اخلاقی باشند، ممکن است رفتارهایی که صرفاً به خود فرد آسیب می‌زنند و اثر اجتماعی کمی دارند، مجرمانه شناخته شوند. این امر می‌تواند منجر به ناخرسندی اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قانونی شود. از دیدگاه لیبرال‌ها، پیگیری اخلاقیات به عنوان سیاست عمومی، خطر پیش‌داوری و نابردباری را افزایش می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز حکومت‌های اقتدارگرا و خودکامه شود (ساندل، ۱۳۷۴: ۱۵).

مسئولیت دولت در زمینه اخلاق شهروندان الزاماً به معنای مداخله کیفری و جرم‌انگاری نیست. مخالفت با جرم‌انگاری رفتارهای غیراخلاقی به معنای پذیرش بی‌اخلاقی نیست؛ بسیاری از مخالفان، رعایت اخلاق را ارزشمند می‌دانند اما تأکید دارند که اجبار فاقد ارزش اخلاقی است (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۲۰؛ هارت، ۱۴۰۰: ۷۹). همچنین، از آنجا که ابزارهای کنترل اجتماعی متنوع هستند، ترویج

ارزش‌های اخلاقی می‌تواند از طریق جامعه مدنی یا تشویق غیر اجباری دولت صورت گیرد (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۲۱-۳۲۰).

۲.۲ دلایل موافقان اخلاق‌گرایی قانونی

حمایت از اخلاق عمومی و جامعه یکی از وظایف دولت است. دولین، نظریه پرداز برجسته انگلیسی، در کتاب خود «الزامی کردن اخلاق» تأکید می‌کند که جامعه برای تداوم خود به یک اخلاق شناخته شده نیاز دارد، همان گونه که وجود یک حکومت منظم ضروری است. بی اخلاقی و رفتارهای خلاف اخلاق می‌توانند به نظم جامعه آسیب زده و موجودیت آن را به خطر اندازند. به عبارت دیگر، همان طور که جلوگیری از فروپاشی سیاسی از وظایف حقوق کیفری است، حمایت از اخلاق نیز وظیفه‌ای مشابه دارد، زیرا هر دو تهدیدکننده جامعه هستند. اخلاق به منزله ملات اجزای مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد و وجود جامعه بیش از نهادها و سازمان‌هایش به اخلاق مشترک وابسته است (محمودی، ۱۳۹۶: ۷۷۶).

شرع، به عنوان هنجار برتر، چارچوبی اخلاقی دارد و نسبت قوانین عرفی به شرع، مشابه نسبت هنجار فرودست به هنجار برتر است. بنابراین، قوانین باید براساس اخلاق طراحی شوند تا مشروعیت اخلاقی داشته باشند و مخالفت مدنی با آن‌ها فاقد توجیه اخلاقی باشد. قانونگذار عرفی که شرع را هنجار برتر می‌داند، نمی‌تواند برخلاف اخلاق عمل کند (فنائی، ۱۳۹۹: ۶۹). طرفداران اخلاق‌گرایی قانونی بر این باورند که رفتار غیر اخلاقی به طور ذاتی بد است، چه به دیگران آسیب برساند یا نه، و بدی ذاتی آن، مجوز اعمال محدودیت قانونی است (محمودی، ۱۳۹۶: ۷۷۶).

وجود برخی قوانین و قواعد حقوقی که ارزش‌های اخلاقی را منعکس می‌کنند، نشان‌دهنده ضرورت حمایت کیفری از اخلاق است. بسیاری از این ارزش‌ها جهانی‌اند و نقض آن‌ها می‌تواند برای بقای جامعه خطرناک باشد (محمودی، ۱۳۹۶: ۷۷۸). بسیاری از رفتارهای ضد اخلاقی بر اساس وجدان جمعی قبیح شمرده می‌شوند و جامعه آن‌ها را مستحق مجازات می‌داند. اگر قانونگذار چنین رفتارهایی را جرم‌انگاری نکند، در واقع وجدان جمعی نادیده گرفته شده است. عدم جرم‌انگاری برخی رفتارهای مغایر با اخلاق، حتی اگر در خلوت صورت گیرد یا آسیب مستقیم به دیگران وارد نکند، می‌تواند باعث کاهش قبح این رفتارها و در نهایت فروپاشی ارزشی جامعه شود.

ایرادى که بر محدودیت منابع نظام عدالت کیفری وارد می‌شود، مبنی بر اینکه جرم‌انگاری تمام ارزش‌های اخلاقی ممکن نیست و منجر به متروکه شدن قوانین می‌شود، قابل پاسخ است.



در فرایند جرم‌انگاری، فیلترهای متعددی اعمال می‌شوند و در اینجا بحث صرفاً بر نقش اخلاق به عنوان یکی از معیارهای جرم‌انگاری متمرکز است.

یکی از دلایل اصلی ضرورت اخلاق‌گرایی در قانون‌گذاری، حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی است. هرچه قوانین بیشتر با اصول اخلاقی هم‌راستا باشند، افراد بیشتر تمایل به رعایت آن‌ها دارند. در چنین جوامعی، مردم احساس می‌کنند قوانین به طور منصفانه تصویب و اجرا می‌شوند، رفتارهای ضد اجتماعی کاهش می‌یابند و حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقویت می‌شود. مشروعیت اجتماعی قوانین یکی از ارکان موفقیت اجرای آن‌هاست. اگر قوانین تنها بر اساس نیازهای سیاسی یا قدرت تصویب شوند و از اخلاق و عدالت دور باشند، مشروعیت خود را از دست می‌دهند. قوانین مبتنی بر اخلاق، احتمال پذیرش و پیروی جامعه را افزایش می‌دهند.

اخلاق‌گرایی در قانون‌گذاری به ارتقای آگاهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز کمک می‌کند. وقتی قوانین مبتنی بر اصول اخلاقی تدوین شوند، افراد جامعه درک عمیق‌تری از درست و نادرست پیدا می‌کنند و نسبت به رعایت قوانین و مشارکت اجتماعی احساس مسئولیت بیشتری دارند.

۳. نظریه اخلاق‌گرایی متناسب با نظام حقوقی ایران

همان‌طور که اشاره شد، قانونگذار هنگام وضع قوانین باید وجدان جمعی جامعه را در نظر بگیرد و این امر در مورد اخلاق‌گرایی قانونی نیز صادق است. با این حال، نمی‌توان جوامع سکولار را با جوامعی که بر پایه شریعت بنا شده‌اند، یکسان در نظر گرفت. به نظر می‌رسد که شرعی بودن جامعه ارتباط مستقیم با پذیرش اخلاق‌گرایی قانونی دارد؛ به گونه‌ای که برخی از علمای حقوق، فاصله گرفتن سامانه کیفری کشورهای اسلامی از اصول و مبانی دینی را ناشی از کم‌توجهی به اخلاق‌گرایی قانونی می‌دانند (موسوی مجاب، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

در نظام حقوقی ایران، بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، قوانین باید منطبق با شرع باشند. بنابراین، مسئله اخلاق‌گرایی نمی‌تواند در فرایند جرم‌انگاری نادیده گرفته شود. البته این بدان معنا نیست که اخلاق‌گرایی باید مطلق و بدون محدودیت اعمال شود؛ بلکه لازم است با توجه به معیارهای شریعت و وجدان جمعی، در موارد مشخصی، اخلاق‌گرایی به عنوان معیاری برای جرم‌انگاری در نظر گرفته شود. به علاوه، باید توجه داشت که فرایند جرم‌انگاری صرفاً متکی به اخلاق نیست و عبور از فیلترهای دیگری مانند فیلتر پیش‌فرض و فیلتر کارکرد نیز ضروری است (حبیب‌زاده، ۱۴۰۲: ۹۴). به این ترتیب، قانونگذار در کنار رعایت اخلاق و وجدان جمعی، باید این فیلترها را نیز مدنظر قرار دهد تا فرایند جرم‌انگاری متوازن و منطبق با اهداف قانونی و اجتماعی باشد.

۴. چالش‌های فرا روی اخلاق‌گرایی قانونی

در چارچوب موضوعاتی که مطرح گردید می‌توان به صراحت بیان نمود که در نظام حقوقی ایران با تکیه بر وجدان جمعی جامعه و مبانی شریعت اسلام نمی‌توان اخلاق را از فرایند قانون‌گذاری حذف نمود و طبعاً ضروری می‌باشد که مقتن به مقوله اخلاق نیز توجه داشته باشد. با این حال در مقام اجرا توجه به اخلاق در فرایند جرم‌انگاری می‌تواند با موانعی مواجهه باشد که بطور کلی می‌توان این چالش‌ها را در سه محور اصلی مطرح نمود که این سه محور عبارت است از: ۱. چالش اخلاق‌گرایی و حفظ حریم خصوصی ۲. چالش اخلاق‌گرایی و محدودیت منابع عدالت کیفری ۳. چالش اخلاق‌گرایی و ایجاد باتلاق قانونی^۱؛ که در ادامه به این سه چالش پرداخته می‌شود.

۴.۱. چالش اخلاق‌گرایی و حفظ حریم خصوصی

یکی از مشکلات ذاتی استفاده از حقوق کیفری برای اجرای اخلاق، نقض حریم خصوصی است (Fraser, ۱۹۸۳: ۴۴۱). حریم خصوصی از ارکان اساسی حقوق فردی و کرامت انسانی به شمار می‌آید و حفظ آن موجب تأمین امنیت روانی، آزادی‌های مشروع و حفاظت از افراد در برابر مداخلات غیرموجه می‌شود. رعایت حریم خصوصی نه تنها اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند، بلکه از سوءاستفاده‌های احتمالی در حوزه‌های مختلف، به ویژه نظام حقوقی و کیفری، جلوگیری می‌نماید. یکی از ویژگی‌های دولت‌های اقتدارگرا این است که به خلوت و حریم خصوصی شهروندان اهمیتی نمی‌دهند (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۳۷). به تعبیر هانا آرنت: «حکومت توتالیتار فضایی برای زندگی خصوصی باقی نمی‌گذارد و نیروی الزام‌آور منطق توتالیتار استعداد تجربه کردن، اندیشیدن و حتی عمل کردن انسان‌ها را نابود می‌سازد» (آرنت، ۱۳۶۳: ۳۰۸). ایدئولوژی توتالیتار در پی نابود کردن شکل زندگی خصوصی است؛ هدفی که حتی هیچ دینی به دنبال آن نبوده است (کولا کوفسکی، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

جرم‌انگاری گسترده در حوزه حریم خصوصی بر اساس رویکرد اخلاق‌گرایی قانونی، از نظر اخلاقی غالباً ناموجه است و ممکن است به نتیجه معکوس، از جمله کاهش خلاقیت، فضیلت و اخلاق در جامعه منجر شود (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۷۴). با این حال، برخی ارزش‌های اخلاقی مهم که در باور عمومی جامعه مورد احترام‌اند، حتی اگر در قلمرو روابط شخصی باشند، می‌توانند مشمول جرم‌انگاری شوند (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۷۴). به طور کلی، هنگام جرم‌انگاری مسائل اخلاقی، حریم خصوصی افراد باید مورد توجه جدی قرار گیرد. نقض آن به بهانه اخلاق‌گرایی قانونی می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای به همراه داشته باشد؛ از جمله سلب آزادی‌های فردی و ایجاد زمینه‌های سوءاستفاده

^۱. Legal Swamp



قانونی. بنابراین، قوانین مربوط به جرم‌انگاری حوزه اخلاق باید با دقت و حساسیت تدوین شوند تا حریم خصوصی افراد از تجاوزهای غیرموجه محافظت شود.

با این حال، در مواردی که رفتارهای خاصی به وضوح با ارزش‌های اخلاقی جامعه در تضاد جدی هستند، می‌توان برای حفظ منافع عمومی اقدام به جرم‌انگاری کرد. در این شرایط، مرزهای دقیق میان حفظ اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق فردی باید رعایت شود تا بیشترین محافظت از آزادی‌های فردی و حریم خصوصی افراد تأمین گردد، بدون آنکه ارزش‌های اخلاقی جامعه به خطر بیفتند. در نتیجه، توازن میان حفظ ارزش‌های اخلاقی جامعه و احترام به حریم خصوصی افراد در فرآیند جرم‌انگاری حیاتی است و تحقق این توازن باید به گونه‌ای باشد که حقوق فردی به طور کامل حفظ شود.

۴.۲. چالش اخلاق‌گرایی و محدودیت منابع عدالت کیفری

در فرایند جرم‌انگاری، صرفاً وجود یک مبنا برای تعیین جرم کافی نیست؛ بلکه لازم است تمامی ابعاد و ملاحظات مرتبط با اجرای آن نیز مدنظر قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این ملاحظات، محدودیت‌های عملی و اجرایی نظام عدالت کیفری است. نظام عدالت کیفری، به عنوان ساختاری مسئول اجرای قوانین و رسیدگی به جرائم، با منابع محدود انسانی، مالی و اجرایی مواجه است. از این رو، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این محدودیت‌ها، هر رفتاری که دارای مبنای جرم‌انگاری است را به عنوان جرم اعلام کرده و برای آن کیفر تعیین نمود.

بی‌توجهی به محدودیت‌های منابع نظام عدالت کیفری می‌تواند به افزایش رقم‌های سیاه و خاکستری بزه‌کاری، بازنمایی منفی اجتماعی دستگاه عدالت کیفری و تورم جمعیت کیفری زندان‌ها منجر شود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳). این محدودیت‌ها به ویژه در مسئله جرم‌انگاری رفتارهای خلاف اخلاق برجسته می‌شوند، زیرا دایره ارزش‌های اخلاقی در زندگی افراد بسیار گسترده است و ابعاد متعددی از زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این زمینه، لرد دولین، از طرفداران معاصر اخلاق‌گرایی قانونی، اظهار می‌دارد: «هیچ محدودیت نظری در برابر قانونگذار برای رسیدگی به امور غیر اخلاقی وجود ندارد؛ تنها دلایل عملی هستند که اجرای قانون اخلاقی را محدود می‌کنند» (Postema, ۱۹۹۴: ۷۷).

محدودیت منابع ایجاب می‌کند که قانونگذار در جرم‌انگاری با دقت و حساسیت عمل کند. تنها آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که بیشترین اهمیت را برای جامعه دارند باید وارد قلمرو جرایم شوند. این رویکرد نه تنها فشار بر دستگاه قضایی و انتظامی را کاهش می‌دهد، بلکه کارآمدی نظام عدالت کیفری را نیز افزایش می‌دهد. جرم‌انگاری بیش از حد می‌تواند به هدررفت منابع، افزایش پرونده‌های

قضایی و تضعیف اثر بازدارندگی قوانین منجر شود. از این رو، قانونگذار باید با اولویت‌بندی صحیح، به ارزش‌های اخلاقی مورد توجه وجدان جمعی تمرکز کند و سایر موارد را از طریق راهکارهای جایگزین، مانند اقدامات فرهنگی، اجتماعی و اداری مدیریت نماید.

۴.۳. چالش اخلاق‌گرایی و ایجاد باتلاق قانونی

یکی از اصول بنیادین حاکمیت قانون، وضوح و شفافیت است. در حقوق کیفری، اگر قوانین با تعابیر کش‌دار و موسع تدوین شوند، می‌توانند به یک «باتلاق قانونی» تبدیل شوند (حبیب‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۷). یکی از انتقادات اصلی نسبت به اخلاق‌گرایی در قانون‌گذاری، فقدان شفافیت مفاهیم اخلاقی است. مفاهیم اخلاقی غالباً قابل اندازه‌گیری با معیار دقیق و عینی نیستند و به دلیل ویژگی‌هایی همچون نسبیّت و وابستگی به شرایط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، به آسانی قابل تفسیر و تغییر می‌باشند. آنچه در یک جامعه یا فرهنگ، رفتار اخلاقی و درست تلقی می‌شود، ممکن است در جامعه‌ای دیگر نادرست یا غیر اخلاقی به شمار رود. این ویژگی تفسیرپذیری باعث می‌شود که تعریف قطعی و ثابتی از بسیاری از مفاهیم اخلاقی ارائه نشود و این خود چالشی جدی در فرآیند اجرایی قانون ایجاد می‌کند. بنابراین، فقدان شفافیت می‌تواند هنگام جرم‌انگاری ارزش‌های اخلاقی، «باتلاق قانونی» ایجاد کند.

با این حال، این چالش تنها محدود به جرایم مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی نیست و در برخی دیگر از جرایم، مانند جرایم علیه امنیت، نیز ممکن است مشکلات مشابهی از نظر شفافیت و وضوح قوانین مشاهده شود. به عبارت دیگر، تفسیرپذیری و عدم وضوح مفاهیم می‌تواند در حوزه‌های مختلف حقوق کیفری مانع اجرای درست قانون شود. برای رفع این چالش، ضروری است که مقنن در فرایند جرم‌انگاری دقت و تلاش بیشتری به خرج دهد تا قوانین جرم‌انگار با شفافیت کامل وضع شوند. شفافیت در قوانین نه تنها موجب کاهش تفسیرهای متفاوت و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به دستگاه قضائی را افزایش داده و اثربخشی اقدامات قانونی را نیز تقویت می‌کند.



نتیجه گیری

بررسی و تحلیل اخلاق گرایی قانونی به عنوان یکی از معیارهای جرم انگاری نشان می دهد که این موضوع همچنان یکی از مسائل چالش برانگیز در حقوق کیفری است. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می شود که قانون گذاری کیفری با هدف همسویی با وجدان جمعی جامعه مورد توجه قرار گیرد.

موافقان اخلاق گرایی قانونی بر این باورند که اخلاق هسته اصلی جامعه و عامل انسجام و همبستگی اجتماعی است. از این دیدگاه، قوانین کیفری نباید تنها به جلوگیری از ضرر به دیگران محدود شوند، بلکه باید از ارزش های اخلاقی جامعه نیز حمایت کنند. بر اساس این دیدگاه، غیاب اخلاق باعث تهی شدن جامعه از انسجام و هویت آن شده و منجر به فروپاشی ارزشی می شود. طرفداران این رویکرد، بر نقش قانون در تنظیم رفتارهای اجتماعی و تقویت هنجارهای اخلاقی تأکید دارند و معتقدند که همسویی قوانین با اصول اخلاقی موجب مشروعیت اجتماعی قوانین و ایجاد حس مسئولیت پذیری در افراد می شود.

در مقابل، مخالفان اخلاق گرایی قانونی بر اهمیت حفظ آزادی های فردی و عدم مداخله دولت در انتخاب های اخلاقی افراد تأکید دارند. از نظر آنان، اخلاق مفهومی نسبی و تحول پذیر است و هرگونه تلاش برای تحمیل اخلاق از طریق قوانین کیفری، خطر محدودیت آزادی های فردی و ایجاد قوانین متروکه را به همراه دارد. همچنین، تنوع باورها و ارزش های اخلاقی در جوامع مدرن، توافق بر معیارهای مشترک اخلاقی را دشوار می کند و می تواند موجب ابهام و نارسایی در قانون گذاری شود. در نظام حقوقی ایران، با توجه به اصول شریعت و وجدان جمعی، اخلاق گرایی قانونی جایگاه ویژه ای دارد و در حال حاضر نیز تا حدی به آن توجه شده است. براساس اصل چهارم قانون اساسی، قوانین باید منطبق با شرع باشند و این موضوع تأثیر قابل توجهی بر پذیرش اخلاق گرایی قانونی به عنوان معیار جرم انگاری دارد. با این حال، پذیرش مطلق این رویکرد مناسب نیست و باید در چارچوب معیارهای مشخصی مانند موازین شریعت و وجدان جمعی مورد استفاده قرار گیرد. در ضمن، فرآیند جرم انگاری تنها محدود به معیار اخلاق گرایی نیست و نیازمند عبور از فیلترهای دیگر نیز می باشد. از این رو، هرگونه تصمیم گیری در زمینه جرم انگاری باید با دقت و در نظر گرفتن تمامی ابعاد حقوقی، اجتماعی و اخلاقی انجام شود تا ضمن حفظ حقوق و آزادی های فردی، انسجام و ثبات اجتماعی نیز تضمین گردد. همچنین، در این فرایند باید به موضوعاتی همچون حریم خصوصی افراد، محدودیت منابع نظام عدالت کیفری و شفافیت و وضوح قوانین توجه ویژه شود.

منابع و مآخذ

- ۱) استوارت میل، جان، (۱۳۸۸)، **در باری آزادی**، ترجمه محمود صناعی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۲) آقایی جنت مکان، حسین، (۱۴۰۳)، **حقوق کیفری عمومی (فلسفه حقوق کیفری)**، ج ۵، انتشارات جنگل.
- ۳) آرنه هانا، (۱۳۶۳)، **توتالیتاریسم**، ترجمه محسن ثانی، انتشارات جاویدان.
- ۴) حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۹۵)، **قانون مداری ماهوی در گفتمان حقوق کیفری ایران**، ارج نامه آئینه صادق (مجموعه مقالات بزرگداشت نخستین سالگرد زنده یاد دکتر صادق آئینه‌وند)، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵) حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۴۰۲)، **حقوق کیفری عمومی**، نشر میزان.
- ۶) حبیب زاده، محمد جعفر، زینالی، امیرحمزه، (۱۳۸۴)، **درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)**، نامه حقوقی، ج ۱، ش ۱.
- ۷) عبدالفتاح، عزت، (۱۳۸۱)، **جرم چیست و معیار جرم‌انگاری کدام است؟**، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۱.
- ۸) ساندل، مایکل، (۱۳۷۴)، **لیبرالیسم و منتقدان آن**، ترجمه: احمد تدین، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹) فنائی ابوالقاسم، نوجوان، داود، (۱۳۹۹)، **نقش شریعت و اخلاق در وضع قوانین کیفری**، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق، انتشارات میزان.
- ۱۰) فرحبخش، مجتبی، (۱۳۸۹)، **اخلاق گرایی قانونی**، مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر ابوالقاسم گرگی، انتشارات انجمن فاخر فرهنگی.
- ۱۱) کولا کوفسکی، لچک، (۱۳۸۱)، **توتالیتاریسم و فضیلت دروغ**، ترجمه عباس میلانی، مندرج در چند گفتار درباره توتالیتاریسم، انتشارات اختران.
- ۱۲) محسنی، مرتضی؛ **دوره حقوق جزای عمومی (کلیات حقوق جزا)**، (۱۳۹۲)، ج ۱، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
- ۱۳) محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۹۶)، **حمایت کیفری از اخلاق، علوم جنایی (مجموعه مقالات)**، انتشارات سمت.

- ۱۴) هارت، هریوت، (۱۴۰۰)، **مفهوم قانون**، ترجمه محمد راسخ، نشر نی.
- ۱۵) نوبهار، رحیم، (۱۳۸۷)، **حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی**، انتشارات جنگل.

References

- ۱۶) Ashworth, Anderw, (۲۰۰۶), **Pinciples of Criminal Law**, Oxford University Press.
- ۱۷) Feinberg Joel, (۱۹۹۰), **the Moral Limits of the Criminal Law: Harmless Wrongdoing**, Oxford University Press.
- ۱۸) Frase , Richard , (۱۹۸۳), **Criminaliztion and decriminalization**, *Encyclopedia of crime and Justice*, Vol ۴ , the Free press.
- ۱۹) Richards , D.A.JT (۱۹۸۱), **Right, Utility and Crime** , Crime and Justice , Vol ۳.
- ۲۰) Postema , Geraled , (۱۹۹۴), **Public Faces-Private Places : Liberalism and the Enforcement of Morality in: Dworkin , Getald , Morality , Harm and the law** , , Wester View press .
- ۲۱) Schonsheck, Jonathan, (۱۹۹۴), **on Crimianlization** , New York; Kluwer Academic publishers, ۱۹۹۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

